

دیده شدن و توسعه فردی

توانمندی‌های انسان‌ها به صورت ذاتی در درون آنها نهاده شده است. آنها با استعدادها، انواع هوش‌ها که سال‌های اخیر در علوم جدید به آنها می‌پردازند پا به این دنیا می‌گذارند و زندگی خود را در این دنیا آغاز می‌کنند. اما شناخت خود، خودآگاهی، کشف خود و خودباوری هر فرد نکته قابل توجه و تأملی است که با توجه و تمرکز به آن می‌توان به دستاوردهای مهمی در طول زندگی افراد منتج گردد. این کشف و شناخت باید از همان سال‌های ابتدای زندگی آغاز گردد. اینجاست که سطح آگاهی خانواده‌ها، والدین و سرپرست‌های کودکان نقش مهمی را ایفا می‌کند.

همان‌طور که اگر به مراحل رشد انسان از نظر روان‌شناسان نگاه کنیم، طی کردن هر کدام از مراحل رشد انسان بسیار حائز اهمیت است. اینکه چگونه نیازهای اولیه و ذاتی فرد در دوران نوزادی از سوی پدر و مادر برآورده شود، خود نوعی توجه و دیده شدن و به اصطلاح نوازش را به **کودک** می‌شناساند. او با تمام حواس خود این نوازش‌ها و دیده شدن‌ها را دریافت می‌کند و همین موضوع در طی کردن درست این دوران به او کمک می‌کند. دیده شدن و توجه از سوی اطرافیان و نفرات مهم زندگی او و اعضای خانواده‌اش در همه دوره‌های رشد انسان‌ها تا بزرگسالی می‌تواند به صورت غیر مستقیم مهارت‌های فردی و اجتماعی را به او آموزش دهد و در توسعه فردی به انسان کمک شایانی کند. نیازهای افراد با ورودش به هر دوره رشد متفاوت و به همان اندازه بزرگتر می‌شود.

دوران نوجوانی از آن دوره‌های بسیار مهمی است که می‌توان گفت راه زندگی فرد از این دوره مشخص می‌گردد. بروز استعدادها، هوش‌های متفاوت، هویت‌شناسی، شناخت خود، خودآگاهی و غیره همگی در این دوران شروع به تبلور می‌کنند. اگر در اطراف خود نوجوانی دارید به او توجه کنید گاهی به موسیقی علاقه دارد گاهی به شعر گاهی به ورزش و گاهی هم به گوشه گیری و منفعل شدن از تمام کارها رغبت نشان می‌دهد. او خودش نمی‌داند که چه شاخه ورزشی، هنری، اجتماعی، فرهنگی و ... را دوست دارد. اغلب موارد دیده می‌شود که به تمام حوزه‌ها و شاخه‌های شغلی و مهارتی سرک می‌کشد و می‌خواهد همه آنها را تجربه کند. او در این دوره در پی کشف خود از طریق زیر و رو کردن اعماق وجود خویش است. در این مرحله او نیاز بیشتری به حمایت و همراهی و کمک غیر مستقیم و مهم‌تر از همه دیده شدن از سوی والدین

و بزرگسالانی دارد که با او در ارتباط هستند. در این سن نوجوانان گرایش به همنشینی و مراوده با گروه همسالان خود را بیشتر دارند و از بودن با خانواده به آن اندازه که با دوستانشان هستند لذت نمی‌برند. اینجاست که آن بخش از آگاهی و مهارت‌های ارتباطی خانواده و معلمین و مربیان نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند.

در کنار **خانواده**، مدرسه و مراکز دیگر فرهنگی، اجتماعی و ورزشی که جامعه هدفشان نوجوانان هستند، می‌توانند مانند یک مشاور کوچ نوجوان را همراهی کنند. به او راه نشان دهند، در تجربه‌های شخصی و گروهی او سهم شوند و بدون قضاوت و القای نظرات شخصی خود او را حمایت کنند. همه این حلقه‌های حمایتی در کنار هم زنجیرهای محکمی هستند که در اختیار نوجوان قرار دارند که اگر کارشان را درست انجام دهند، نوجوانان می‌توانند راه خود را پیدا کنند و دیده شوند و ابراز وجود داشته باشند و نظرات خود را مطرح کنند. آنها در قالب فعالیتهای مشارکتی و گروهی خلاقیت را در خود تقویت کنند و بسیاری از مهارت‌های اجتماعی را بیاموزند. این مراکز و مدارس نیز در بروز و نمایان شدن استعدادهاى نوجوانان در عرصه‌های اجتماعی بزرگتر نیز به توانمندی و رشد استعدادهای آنها کمک می‌کند. دیده شدن و توجه به افراد، در تمام مراحل زندگی آنها می‌تواند به رشد و توسعه فردی و اجتماعی آنها کمک کند.

شهره طاعتی/ مددکار اجتماعی